

سهم ایران از دریای خزر همچنان در هاله‌ای از ابهام

کیومرث یزدان پناه^۱

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

بهادر زارعی

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

محمود واثق

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

فتح اله دهقان

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، پردیس کیش دانشگاه تهران، کیش، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۷

چکیده

دریای خزر بزرگترین دریاچه ی جهان میان آسیا و اروپا واقع شده است. این دریا به طور طبیعی به دریاها و اقیانوس‌های جهان راه ندارد. تا سال ۱۹۹۱ خزر دریای ایرانی- شوروی بوده و بر مبنای قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میان دو کشور مشترک بوده است. دیگر کشورهای جهان نیز دریای خزر را میان ایران و روسیه مشاع می دانستند. با فروپاشی شوروی همسایگان دریا به ۵ کشور افزایش یافته و اختلافات در خصوص رژیم حقوقی این دریا آشکار و هویدا شد. مذاکرات متعدد و متناوبی طی حدود ۲۱ سال توسط کشورهای ساحلی برای حل مشکل رژیم حقوقی خزر صورت گرفته است. در این مقاله مواضع کشورهای ساحلی در مورد رژیم حقوقی دریای خزر را مورد بررسی قرار داده، همچنین موضع ایران در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر را مورد مذاقه و آسیب‌شناسی قرار می دهیم.

واژگان کلیدی: رژیم حقوقی دریای خزر، دریای بسته، ایران، روسیه، آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان.

مقدمه

«دریای خزر» بزرگترین دریاچه جهان محسوب می‌شود. قبل از فروپاشی شوروی، دو کشور ایران و شوروی کشورهای ساحلی دریای خزر بودند و از آن به طور مشترک بهره‌برداری می‌کردند. پس از فروپاشی شوروی، سه جمهوری آذربایجان (در ساحل غربی دریا)، ترکمنستان و قزاقستان (در ساحل شرقی دریا) به جمع همسایگان و بهره‌برداران از دریا افزوده شدند.

این دریا در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی نقش مهمی در زندگی ساحل نشینان و اقتصاد ملی دولت‌های همجوار دارد. این منطقه به عنوان حلقه اتصال آسیا به اروپا و آسیای شمالی به جنوبی، پس از جنگ سرد، از یک موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک حساسی برخوردار گردید. «آنسی کولبرگ»، منطقه دریای خزر راه‌ارتلند نویی می‌داند که در قرن بیست و یکم به لحاظ ژئوپلیتیک، تأثیر شگرفی در سیاست بین‌الملل بر جای خواهد گذاشت (Kullberg, 2000: 1).

پس از فروپاشی شوروی و افزایش تعداد کشورهای ساحلی، اختلافات میان این کشورها در خصوص تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر بروز کرد. این کشورها برای کسب سهم بیشتر از خزر اقداماتی را انجام دادند. در این مقاله نویسندگان به دنبال یافتن دلایلی هستند که چرا پس از حدود ۲۱ سال مذاکره و توافقات سران کشورهای ساحلی، هنوز سهم کشورها و از جمله جمهوری اسلامی ایران از خزر، کاملاً مشخص و معین و تحدید حدود نشده است. برخی بر این موضع پافشاری دارند که ایران برنامه مدونی در خصوص دریای خزر نداشته و بیشتر تحت تأثیر رفتارهای فدراسیون روسیه و با در نظر گرفتن اراده سیاسیمسکو عمل کرده است. این مسئله باعث شده است که سهم ایران از خزر هنوز مشخص نباشد.

در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد و مدارک موجود دیدگاه‌های هر یک از کشورهای ساحلی در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر مورد ملاحظه و بررسی قرار گرفته است. در نهایت اینکه با توجه به تقسیم بخش شمالی خزر طی قراردادهای دو و چند جانبه میان همسایگان، ایران نیز ناگزیر به ورود به مذاکرات با دو همسایه جنوبی خود در شرق (ترکمنستان) و در غرب (جمهوری آذربایجان) است. جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به توافق با همسایگان، طبیعی است که به سبب اختلاف دیدگاه‌های متفاوت هر یک از آنها، رسیدن به یک مصالحه و بازی برد-برد، راه درازی در پیش دارد. در صورت دستیابی به هر نوع توافق بر مبنای شکل ساحل، ایران کمترین سهم را در بین کشورهای ساحلی خواهد داشت موردی که ایران همیشه بدان اعتراض داشته و خواستار در پیش گرفتن ملاحظات تاریخی و اصل انصاف در تقسیم سطح آب، بستر و زیر بستر است. موضع رسمی ایران در صورت عدم رعایت نکات پیش گفته، سهمی حدود ۲۰ درصد است و به آن استدلال می‌شود که چون تعداد کشورهای ساحلی ۵ کشور است سهم ایران باید یک پنجم (۲۰ درصد) از دریا باشد که در بر گیرنده سطح، بستر و زیر بستر خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران تا پیش از امضای رژیم حقوقی جدید در سال ۱۳۹۷، بر این مواضع اصرار داشته است.

ویژگی‌های جغرافیایی دریای خزر

نام دریای خزر یا مازندران کنونی، مانند اغلب عوارض و مکان‌های جغرافیایی در طول تاریخ ثابت نبوده و تغییر یافته است. این نام‌ها یا منتسب به قبایل و اقوام ساکن اطراف دریا در طول تاریخ می‌باشند، یا آنکه از مناطق و شهرهای اطراف آن گرفته شده است (Hammawi, 1943:67). در اکثر مجموعه‌های دایره المعارف چنین گفته می‌شود، که دریا یک واحد جغرافیایی است، که با اقیانوس در ارتباط می‌باشد. دریاچه نیز یک واحد جغرافیایی است که در اثر جمع شدن آب در نقاط معین از پستی‌های زمین به وجود می‌آید و به دریا (یا اقیانوس) متصل نیست (Monkhouse & Edward, 1972 :309).

آزوف با داشتن ۳۸ هزار کیلومتر مربع مساحت و ۱۴ متر عمق در ردیف دریاها قرار می‌گیرد، اما خزر علی‌رغم داشتن ۴۰۰ هزار کیلومتر مربع مساحت و حد اکثر عمق ۱۰۲۵ متر، به دلیل شرایط خاص خود در ردیف دریاچه‌ها قرار می‌گیرد. دریاچه بودن خزر در بسیاری از اسناد حقوقی دولتی و بین‌المللی رسماً منعکس شده است (Ahmadipour, 2000:42).

دریای خزر (کاسپین)، بزرگترین دریاچه جهان در مرز بین آسیا و اروپا، در شمال ایران و در محل تلاقی آسیای مرکزی، قفقاز و ایران واقع شده است و سواحل غربی آن، حد شرقی قفقاز را تشکیل می‌دهد. طول دریای خزر از شمال به جنوب ۱۲۰۴ کیلومتر، عرض متوسط آن ۳۲۰ کیلومتر و طول خط ساحلی آن ۶۵۰۰ کیلومتر است. از این مقدار ۶۵۷ کیلومتر ساحل ایران، ۸۲۰ کیلومتر ساحل جمهوری آذربایجان، ۱۹۰۰ کیلومتر ساحل قزاقستان، ۱۷۶۸ کیلومتر مربوط به ترکمنستان و ۱۳۵۵ کیلومتر بقیه ساحل روسیه است (Amirahmadian, 2001:141-142).

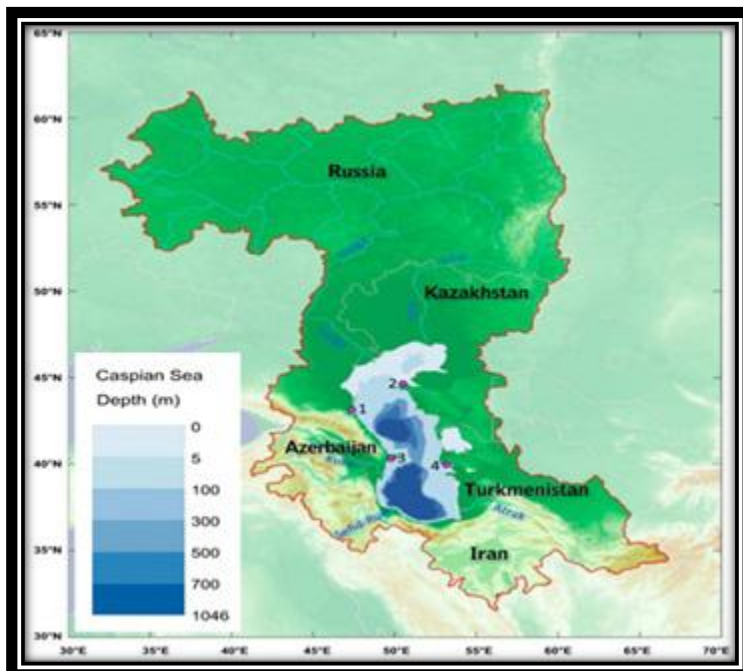


Map (1) Range of Caspian Sea Countries

https://www.researchgate.net/figure/The-location-of-the-Caspian-Sea-and-five-coastal-countries-on-a-map-of-the-Caspian-Sea_fig2_301756585

عریض‌ترین منطقه دریای خزر کمی بالاتر از سواحل ایران است؛ گنجایش آب این دریا نزدیک به ۷۹ هزار کیلومتر مکعب است. آب وارده به آن نیز به طور متوسط ۳۰۰ کیلومتر مکعب در سال است. جهت جریان آب آن از سمت دریا به ساحل می‌باشد. نوسان آب دریا و باز کردن کانال آب رودخانه ولگا، گاهی باعث زیاد شدن آب، پیشروی

آب به سوی ساحل و خرابی و خسارت زیاد در اطراف ساحل می‌شود. جریان دریایی بصورت یک مدار بسته از دلتای رود ولگا در ساحل شمالی به سمت جنوب آغاز شده و تا گیلان ادامه دارد. دنباله این جریان موازی با خط ساحلی امتداد یافته و مجدداً در سواحل شمالی به جریان اولیه می‌پیوندد. جریان حرکت آب این دریا در ناحیه جنوبی و میانی در جهت عکس عقربه‌های ساعت است که این به خاطر طول نسبتاً زیاد آن است. (نزدیک به ۱۱ درجه جغرافیایی) مضافاً اینکه سطح آن حدود ۲۷ متر پایین تر از سطح آب دریاهای آزاد است.



Map (2) Depth of the Caspian Sea
Source: Dr. Kiomars Yazdanpanah

دمای آب دریا در قسمت‌های شمالی، سردتر و در زمستان به ۱۲ درجه سانتی گراد زیر صفر می‌رسد و در مواقع عادی درجه حرارت آب دریا ۴ درجه سانتیگراد می‌باشد.

آب دریای مازندران نه شیرین است و نه مانند آب اقیانوسها شور و از نظر طعم حالت خاص خود را دارد. ترکیب شیمیایی املاح محلول در آن تا حدودی شبیه آب اقیانوسهاست، با این تفاوت که در آب دریای مازندران کلرایدها کمتر و سولفات و کربناتها بیشتر است. بارندگیهای سواحل جنوبی دریای خزر از اوایل مهرماه آغاز می‌شوند و حداکثر آنها در فصل پاییز رخ می‌دهند، دومین فصل مرطوب در منطقه به استثنای گرگان، فصل زمستان است. در مجموع بارندگی ناحیه خزری از غرب به شرق کاهش پیدا می‌کند به طوری که از آستارا تا بابلسر بارندگی سالانه بیش از ۱۰۰۰ میلیمتر در شرق بابلسر تا گرگان کمتر از ۱۰۰۰ میلیمتر می‌باشد.

با بررسی بارندگیهای روزانه می‌توان دریافت که سواحل دریای خزر بیشتر روزهای سال از بارندگی برخوردار است. علت این امر حاکمیت و وجود عوامل صعود قوی و رطوبت کافی و سایر شرایط مناسب در اکثر روزهای سال می‌باشد. در خط ساحل، تعداد روزهای بارش از مرکز بیشینه بندر انزلی به سمت غرب و شرق کاهش می‌یابد به گونه‌ای که به ترتیب در آستارا به ۸۵ روز و در گرگان به ۷۰ روز می‌رسد. کوه‌های البرز نیز به عنوان سدی

کوهستانی از ورود بخار آب دریای خزر به داخل ایران جلوگیری می‌کنند علت وجود این رژیم بارندگی ماهانه و فصلی عمدتاً به موقعیت جغرافیایی ناحیه بستگی دارد.

فرابار سیبری پدیده غالب دوره سرد سال (از اکتبر تا مارس) در آسیاست که در اوایل دوره سرد در اطراف دریاچه بایکال تشکیل شده و به تدریج همزمان با پیشرفت زمستان قویتر می‌شود این فرابار در اوج فعالیت خود علاوه بر آسیا، بخشهایی از اروپا را نیز در بر می‌گیرد و به ندرت به طرف جنوب شرقی اروپا و خاورمیانه پیش می‌رود و همواره زیانه‌های آن از جهات مختلف، اقلیم ایران را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

در ایامی که پرفشار در شرق و شمال شرق دریای خزر مستقر می‌گردد، بادهای سرد و خشکی می‌وزند که این بادهای از روی دریای نسبتاً گرم عبور کرده و به سواحل ایران می‌رسند این هوا ضمن عبور روی دریا از رطوبت و گرما جذب نموده و ناپایدار می‌گردد. میزان این ناپایداری با عواملی نظیر شدت اختلاف دما بین آب دریا و هوای بالای آن و طول مسیر هوا بر روی دریا رابطه مستقیم دارد. اختلاف دمای بین هوا و دریا در اواخر تابستان و اوایل پاییز به اوج خود می‌رسد. در این فصل دریا هنوز گرمی تابستان را دارد و هوای شمال هم به حد کافی سرد شده است، از طرف دیگر هر قدر مسیر طولانی تر باشد هوا ناپایدار تر می‌شود. بدین جهت است که هوای سرد و خشک سیبری پس از عبور از روی دریای خزر ناپایدار شده و با مساعدت سایر عوامل در سواحل ایجاد بارندگی می‌کند شدت این بارندگی به دلیل طولانی بودن مسیر روی دریا در منطقه انزلی بیشتر از قسمتهای دیگر ساحل است (Dehghan,2005:25-29)

رژیم حقوقی دریاچه‌ها از نظر حقوقی بین‌الملل

از لحاظ حقوقی بین‌الملل، دریاها و دریاچه‌هایی که بین دو یا چند کشور محاط می‌باشند، در حکم آب‌های داخلی به شمار می‌روند، و حکم آنها حکم این گونه آبهاست، منوط به اینکه همانند دریای خزر بوده، به دریای آزاد راه نداشته باشند. لذا حسب مفاد ماده ی (۸۶) کنوانسیون حقوق بین‌الملل دریاها سال ۱۹۸۲، این گونه آب‌ها از شمول کنوانسیون مزبور خارج می‌باشند (Mirmohamadsadeghi,1995:158). دریای خزر با شرایط جغرافیایی که دارد

نمی‌تواند از مصادیق دریای بسته و نیمه بسته به نحوی که در کنوانسیون آمده است باشد (Dabiri,1995:143)

طبق حقوق بین‌الملل و همانگونه که در اداره کشورها و در مکتوبات نویسندگان پیشرو منعکس شده، دریاچه‌های بین‌المللی باید طبق توافق دولت‌های ساحلی تقسیم شود (Gizatov,1995:137). لازم به ذکر است، که دریاچه‌های مرزی در قاره‌های آفریقا، اروپا و آمریکا با توافقی کشورهای ساحلی تحدید حدود شده است (G.Pettinger,1997:132).

در مورد اینکه مرز میان دو یا چند کشور در یک دریای بسته و یا دریاچه محاط فی مابین آنها در کجا قرار دارد، اولاً: مفاد معاهدات و موافقت نامه‌های فی مابین، ثانیاً: در صورت عدم وجود و یا سکوت این قبیل معاهدات و موافقت نامه‌ها، تصرفات مستمر و بلا معارض آنها ملاک قرار خواهد گرفت (MirmohamadSadeghi,1995:159). استفاده از دریای خزر منحصر به کشورهای ساحلی آن است. به عنوان مثال در سال ۱۹۹۸ که یونسکو به مناسبت سال اقیانوس‌ها در صدد اعزام کشتی «الیسون» به دریای خزر جهت انجام تحقیقات علمی دریایی بود، این امر تنها

پس از هماهنگی‌های لازم با کشورهای ساحلی دریای خزر به خصوص ایران و روسیه، امکان پذیر گردید (Movahed, Abrar Newspaper).

ژئوپلیتیک و قلمرو خواهی در خزر

سیاست‌های توسعه طلبانه روسیه و سپس شوروی برای جبران ضعف ژئواستراتژیک روسیه، سبب پیدایش منطقه ژئوپلیتیکی دریای خزر در طول جنگ سرد شد که بیشترین ضربه را به ایران وارد کرد (Amirahmadian, 2001: 143).

بنابراین این تفکر ژئواستراتژیک موجب تحمیلات ژئوپلیتیکی شده که هنوز هم اثرات آن ادامه دارد. به این معنی که تا زمانی که نظارت همه جانبه با شوروی بود، این جمهوری‌ها به طور سیستماتیک مکمل یکدیگر بودند. اصطلاح پرده آهنین که توسط چرچیل مطرح شد (Bernard Cohen, 2008: 62) ویژگی ژئوپلیتیکی آن‌هاست. این ویژگی ژئوپلیتیکی در کلیه شئونات جماهیر به اشکال مختلف تاثیر گذاشت. بنا بر این نمیتوان اساساً این جمهوری‌ها را حتی در مقیاس کوچک در دوران جنگ سرد، مستقل به حساب آورد پس از فروپاشی شوروی این جمهوری‌ها دچار خلا ژئوپلیتیکی شدند. از سوی دیگر کشورهای جدید التاسیس به لحاظ تهدیدات امنیتی، نگرانی از مداخلات کشورهای همسایه، منازعات قومی و مشکلات اقتصادی مواجه بودند.

همچنین منازعه پیرامون وضعیت حقوقی دریای خزر شرایط ژئوپلیتیکی منطقه و منازعات سیاسی و اقتصادی مربوطه، آن‌ها را در وضعیت پیچیده‌ای قرار داده بود و آنها ناگزیر به دنبال استفاده از اهرم‌هایی برای نجات از این بن بست بودند. منابع نفت و گاز خزر به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک آن ابزار مناسبی به نظر می‌رسید. برژنفسکی بر این باور بود که قلمروهای ژئواستراتژیک بر خلاف دوران جنگ سرد که بر محور نظامی‌گری شکل گرفته بود، می‌خواست بر محور انرژی شکل بگیرد (Amirahmadian, 2001: 149). برای جبران خلا ژئوپلیتیکی، این کشورها بعضاً به قدرت‌های خارج از منطقه متوسل شده و همچنین سعی نمودند که بخش بیشتری از خزر را تصاحب نموده و با استفاده از اهرم انرژی خلا ژئوپلیتیکی خود را جبران نمایند.

دریای مشترک

وضعیت حقوقی دریای خزر در قراردادهای ایران - شوروی در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ و ۲۵ مارس ۱۹۴۰ تعریف شده است. تحت حاکمیت اتحاد جماهیر شوروی و ایران منطقه انحصاری ماهیگیری ۱۰ مایلی تأسیس شد و دریای خزر وضعیت دریای بسته را داشت (Yakushik, 1998: 22).

بررسی اسناد مؤید این مطلب است که هیچ مرزبندی یا تقسیمی در دوران شوروی در خزر صورت نگرفته است. فصول ۷ و ۱۲ معاهده ۱۹۲۱ و مواد ۱۲ و ۱۳ قرارداد بازرگانی و بحر پیمایی مورخ ۲۵ مارس ۱۹۴۰ ناظر بر حقوق برابر دو کشور در زمینه کشتیرانی در دریای خزر است. همچنین در بند ۴ ماده ۱۲ قرارداد ۱۹۴۰ برای طرفین یک محدوده ۱۰ مایلی انحصاری ماهیگیری در نظر گرفته شده است. علی غم وجود این معاهدات، اقدامات ایران در زمینه کشتیرانی و ماهیگیری در این دوران در دریای خزر بسیار محدود بوده است. نداشتن امکانات فنی در کنار ملاحظات سیاسی از مهم‌ترین دلایل این امر محسوب می‌شوند. در مقابل شوروی علاوه بر داشتن ناوگان تجاری و

نظامی وسیع در خزر، فعالیت‌های گسترده‌ای را در زمینه بهره‌برداری از منبع نفتی انجام می‌داد. به طور کلی وضعیت حقوقی دریای خزر در دوران شوروی را میتوان «برابری در نظر و نابرابری در عمل» ذکر کرد. گرچه این وضعیت را نمی‌توان به معنای ایجاد حق مکتسب برای شوروی به حساب آورد، ولی این امر نشان از تسامح دولت ایران در آن زمان دارد (Demirci Lu, 2006: 165).

در حقیقت وضعیت حقوقی دریای خزر که در دو موافقتنامه‌ی منعقد شده میان ایران و شوروی در سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ آمده است. شاید جامع نباشد، ولی هنجارهای مناسبی برای تنظیم روابط دو کشور در رابطه با استفاده‌ی دو کشور در آن زمان پیش‌بینی کرده بود.

با توجه به اینکه موافقتنامه‌های مذکور به تحدید حدود دریای خزر اشاره‌ای نکرده و هیچ خط مرزی در آن ترسیم نشده است. ولی نامه‌های مبادله شده میان وزیر امور خارجه ایران و سفیر شوروی در تهران، پس از انعقاد موافقتنامه ۲۵ مارس ۱۹۴۰، مواضع دو حکومت را در خصوص وضعیت حقوقی این دریا روشن می‌سازد. این نامه‌ها به دریای خزر به عنوان یک دریای «شوروی-ایرانی» اشاره می‌کند. در این نامه روشن نشده است که منظور از دریای شوروی-ایرانی چیست. ولی، از مفاد مربوطه موافقتنامه چنین استنباط می‌شود که طرف‌ها قصد تقسیم دریا میان دو کشور را نداشته‌اند. در عوض، آنها حاکمیت مشترک و مالکیت اشتراکی را ترجیح داده‌اند.

پیشینه رژیم حقوقی دریای خزر

حاکمیت بر دریای خزر تابع مالکیت بر خشکی‌های اطراف آن بوده است. به این مفهوم که هر کشوری که بر قسمت بیشتری از خشکی‌های اطراف خزر کنترل داشته است، بر بخش بیشتری از این دریا حاکمیت داشته است. بنا به گواه تاریخ، ایران از قرن ششم قبل از میلاد ارتباط مداوم با دریای خزر داشته است. ایران در مقاطع زیادی بر این دریا حاکمیت داشته است. همچنین در برهه‌هایی دریای خزر به عنوان آبهای داخلی این کشور تلقی می‌شده است. از قرن هفتم تا اواخر قرن یازدهم بعد از میلاد، این دریا در تعاملات میان امپراطوری اسلامی وقت و خزرها قرار گرفت. ضمن آن که سلسله‌های محلی نیز حافظ امنیت آبهای مجاور خود بودند. در دوران امپراطوری سلجوقی و تا حدودی خوارزمشاهی این دریاچه در کنترل موثر آنها قرار گرفت. با ظهور مغولها دریای خزر در محدوده قلمرو این امپراطوری قرار گرفت. اختلافات و رقابت میان جانشینان چنگیز خان بر امنیت خزر موثر بود. با ظهور صفویه در ایران زمینه تسلط ایران بر بخش بیشتری از دریا فراهم شد. ولی با ظهور پطرکبیر و احیاء قدرت روسیه حاکمیت ایران بر دریای خزر متزلزل شد. پطرکبیر در راستای استراتژی گسترش قلمرو به جنوب، به خزر توجه نمود. وی با استفاده از هرج و مرجی که بر ایران حاکم بود، بخش‌هایی از ایران را تصرف کرد. در ضمن در سال ۱۷۲۴ م با انعقاد قراردادی با امپراتوری عثمانی موقعیت خود را تثبیت کرد (Bavand, 2001: 7-9). با ظهور نادر شاه که موجب احیاء مجدد جایگاه ایران شد، روسیه ضمن عقد قرارداد ۱۷۳۲ م، تمام ایالاتی را که از سال ۱۷۲۲ در تصرف داشت، به استثناء باکو و در بند تخلیه کرد و به دولت ایران تحویل داد. نادر به این مسئله اکتفا نکرده، تا گنجه پیشروی نموده و با انعقاد قراردادی دولت روسیه از تمام متصرفات خود در خاک ایران صرف نظر کرد. در دوران حکومت زندیه روابط آنچنانی میان دو کشور وجود نداشت. تحولاتی که در اواخر قرن هجدهم رخ داد زمینه‌ی جنگ‌های

میان ایران و روسیه را فراهم نمود، که نتیجه آن شکست ایران و انعقاد قراردادهای ننگین گلستان ۱۸۱۳ م و ترکمنچای ۱۸۲۸ م، بود. به موجب این قراردادها محدودیت‌هایی برای ایران در دریای خزر ایجاد شد. معاهده ی ترکمنچای که پس از شکست ایران از روسیه در فوریه ۱۸۲۸ م، بین دو کشور منعقد شد، به موجب آن ایران از حق داشتن کشتی‌های جنگی در خزر محروم شد (Iqbalashtiyani, Aghali, 1999:671).

دوران اتحاد جماهیر شوروی

پس از انقلاب بلشویکی و به قدرت رسیدن کمونیست‌ها در روسیه آنها با توجه به مشکلاتی که در اروپا داشتند، همچنین با توجه به اینکه به دنبال ترویج ایدئولوژی مارکسیستی در جهان بودند، کلیه ی قراردادهای استعماری با همسایگان را ملغی نمودند و قرارداد ۱۹۲۱ مودت را با ایران منعقد کردند. به موجب این قرارداد فصل هشت قرارداد ترکمنچای که حق داشتن نیروی نظامی ایران را در خزر از ایران سلب نموده بود، از درجه اعتبار ساقط و طرفین قرارداد رضایت دادند، که از زمان انعقاد این معاهده هر دو بالسویه حق کشتیرانی را در زیر بیرق‌های خود در دریای خزر داشته باشند. قرارداد دیگری که تا حدودی قلمرو دریایی ایران در دریای خزر را روشن کرد، قرارداد ۱۹۴۰ م. است. در بند ۴ ماده ی ۱۲ این قرارداد یک قلمرو دریایی به عرض ۱۰ مایل از ساحل برای هر کشور جهت حق اختصاصی ماهیگیری در نظر گرفته شده است. ماده ۱۳ قرارداد ۱۹۴۰ م. نشان می‌دهد، دریای خزر، دریای مشترک میان ایران و روسیه است و باید از ورود عوامل خارجی به این دریا جلوگیری شود (Nami, Akbari, 1997:162).

لازم به ذکر است، برخی از افراد به اشتباه یا به دلیل بی توجهی اظهار می‌دارند که دریای خزر بین ایران و شوروی تقسیم شده و به خط موهوم آستارا - حسینقلی استناد می‌کنند. این استدلال نیز هیچ ارتباطی به رژیم حقوقی دریای خزر بر مبنای معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ ندارد، زیرا در معاهدات ذکری از چنین خطی به میان نیامده است. در سال ۱۹۶۴ بین دو کشور ایران و شوروی یک موافقت‌نامه‌ی امضاء شد که بر طبق آن خط مستقیمی برای تعیین محدوده ی منطقه اطلاعات پرواز از بندر حسینقلی تا آستارا محل تلاقی مرز خاکی ایران و شوروی در دو طرف دریای خزر در نظر گرفته شد، این خط هیچ اعتبار حقوقی در افراز مرز نداشته و ندارد (Damirchilu, 2006:172). این خط هیچگاه مورد تأیید ایران در دوره جنگ سرد نبوده است.

بدین ترتیب مطابق با مقررات حقوقی بین‌الملل، دریای خزر متعلق به دو کشور شوروی و ایران بوده، و هیچ گونه حد و مرز رسمی در این دریا، به استثنای محدوده ماهیگیری وجود نداشته، همچنین هیچ کشور خارج از منطقه وضعیت دریا را به عنوان یک دریای بسته مورد اعتراض قرار نداده است. هیچ کشتی خارجی (کشور سوم) در آن مجاز به آمد و رفت نبوده است. همچنین دریای خزر از نظر دولت‌های ثالث حالت مشترک میان ایران و شوروی سابق را داشته است. با اینکه ایران دارای حقوق مساوی و مشترک با شوروی بوده ولی به دلایلی چون ملاحظات سیاسی، سیاست پرده آهین شوروی، پیامدهای جنگ سرد از جمله حضور ایران در پیمان‌های نظامی غرب چون سنتو و بالاخره نگرانی از انگیزه‌های توسعه طلبانه مسکو و فراتر از همه اتخاذ سیاست جلب رضایت خاطر مسکو، سبب گردید که اولاً ایران از ایجاد ناوگان نظامی در دریای خزر خودداری کند، ثانیاً از صید در تمامی پهنه فراتر از آبهای مجاور پرهیز نماید. ولی عدم استفاده کامل از این حقوق، به هیچ وجه به مبانی حقوق حقه ایران لطمه‌ای وارد

نمی ساخت و در این مورد استناد به اصل مرور زمان مسموع نبود، و به دلایل مذکور بسیاری از حقوق دانان استناد به اصل مرور زمان را در اختلافات بین‌المللی مردود می‌دانند.

رژیم حقوقی دریای خزر پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی



Map (3) Legal regime of the Caspian Sea after the collapse of the Soviet Union

https://www.google.com/search?tbm=isch&sa=1&ei=LTygXZDxBeGzggf8xIugDg&q=Caspian+Sea+division+maps&oeq=Caspian+Sea+division+maps&gs_l=img.12...404586.407316.409063...0.0..1.795.3568.2-5j1j1z1z1.....0...1.gws-wiz-img.QobCP5rJeK8&ved=0ahUKEwjQu9zx45PIAhXhmeAKHXziAuQQ4dUDCAc#imgrc=s-25805g8PAVjM

با فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ کشورهای دارای حق حاکمیت بر دریای خزر به ۵ کشور افزایش یافت. جمهوری‌های تازه استقلال یافته برای حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و... خود به دنبال استفاده از منابع نفت و گاز واقع در قلمرو ادعایی خود در دریای خزر بودند. آنها برای تملک بخش بیش‌تری از خزر تلاش‌های خود را آغاز نمودند. کشورهای تازه استقلال یافته که فاقد سرمایه و تکنولوژی لازم برای صنایع نفت و گاز خود بودند، از قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای سرمایه‌گذاری و استخراج و بهره‌برداری از منابع خود دعوت کردند. از سوی دیگر قدرت‌های فرامنطقه‌ای که در رقابت استراتژیک با روسیه بودند؛ از خلاء قدرتی که به دنبال فروپاشی شوروی ایجاد شده بود، در راستای منافع خود استفاده می‌کردند. یکی از راه‌های ورود آنها به منطقه در قالب شرکت‌های چند ملیتی نفت و گاز بود. کشورهای ساحلی در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر نظرات متفاوتی داشته و اقداماتی را انجام دادند. این کشورها پس از فروپاشی مذاکراتی را در سطوح مختلف آغاز کردند. بدون تردید اولین اقدام موثر در این جهت تشکیل اجلاس کشورهای دریای خزر به ابتکار جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۷ فوریه ۱۹۹۲ در تهران بود. در بیانیه اختتامیه این اجلاس، شرکت‌کنندگان با پیشنهاد آقای هاشمی رفسنجانی ریاست جمهور وقت ایران در مورد تأسیس سازمان همکاری کشورهای ساحلی دریای خزر موافقت نمودند (Momtaz, 2001: 123).

مواضع هر یک از کشورهای ساحلی دریای خزر در باره روند امور

الف- فدراسیون روسیه

در خصوص بستر دریای خزر در مقطعی روسیه پیشنهاد کرده بود که بستر دریا میان کشورهای ساحلی بر اساس

خط میانه و مرزهای خشکی موجود تقسیم شود. گستره ی آبی نیز در استفاده مشاع باقی بماند. ویکتور کالیوژنی این مورد را بر اساس طریق زیرین شرح می‌دهد: «ما باید بستر دریا را، یا بیشتر، منابع آن را تقسیم کنیم. آنها برای استفاده مشاع باقی بماند و مرزی هم در میان نباشد.» (Shuwa, 2002: 111).

روس‌ها در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر موضع و رفتار دوگانه‌ای داشتند. مواضع روسیه در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر فراز و فرودهای زیادی داشته است. ولی این فراز و فرودها تاکتیکی و با توجه به شرایط زمانی و درچارچوب استراتژی کلان روسیه در جهت دستیابی به منافع حداکثری در این دریا بوده است. روسیه در ابتدا و پس از فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ اعلام کرد، قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ معتبر بوده و رژیم مشاع را برای دریای خزر به رسمیت می‌شناسد، ولی در عمل سیاستهای متفاوتی را از خود بروز داد.

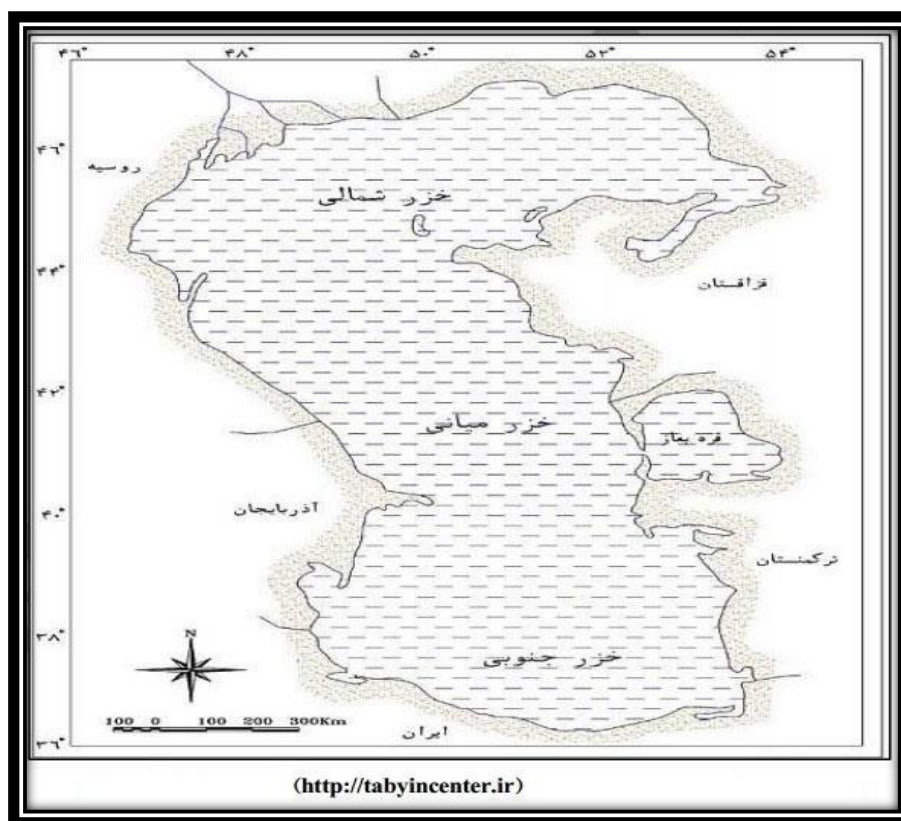
در حالی که وزیر امور خارجه روسیه از تئوری دریاچه حمایت می‌کرد. بزرگ‌ترین کمپانی‌های نفتی ملی که از تقسیم بخشی از دریا حمایت می‌کردند، از حمایت پنهانی در سطح بالایی دولتی برخوردار بودند (Yakoshik, 1998:28). علیرغم سیاست اعلامی، روس‌ها دست به اقداماتی زدند، که منافی موضع رسمی آنها بود.

اقدام نخست عبارت از مشارکت روسیه در طرح‌های نفتی در منطقه بود. وزارت سوخت و انرژی روسیه از شرکت‌های نفتی این کشور برای مشارکت در قراردادهای نفتی منطقه حمایت به عمل آورد. برای مثال شرکت لوک اویل (Lukoil) در سال ۱۹۹۴ با یک شرکت آذربایجانی برای گسترش منابع نفت خزر به توافق رسید (Freedman:2000:20). همچنین روسیه سهام خط لوله خزر را که از کناره خزر در قزاقستان به بندر نووروسیسک در کنار دریای سیاه می‌رسد، تضمین کرد (www.caspianstudies.com). اقدام دوم انعقاد قراردادهای دو جانبه با کشورهای قزاقستان و آذربایجان در تقسیم دریای خزر و استفاده اشتراکی از سطح آب (شامل کشتیرانی، ماهیگیری و محیط زیست) بود.

همچنین در سفر پوتین به آذربایجان دو کشور طی موافقت‌نامه‌ای تقسیم بستر و اشتراک در کشتیرانی در سطح آب را پذیرفتند. همچنین پوتین برای اجرای سیاست‌های جدید در حوزه خزر موافقت‌نامه‌هایی با این کشورها به امضا رساند. در اردیبهشت ۱۳۷۹ پوتین با نظر بایف (رئیس جمهور وقت قزاقستان) قراردادی امضا کردند، که مطابق آن بستر دریا را در بخش شمالی بین خود تقسیم کردند. در اردیبهشت ۱۳۸۱ دو رئیس جمهور قرارداد تقسیم بستر دریای خزر را امضا کردند.

در دی ماه ۱۳۷۹ پوتین در قرارداد دیگری با آذربایجان، چگونگی استفاده از منابع بستر و مرزهای خود را در دریای خزر مشخص کرد. مهم‌ترین تحول در توافقات بین دو کشور در ۱ مهر ۱۳۸۲ صورت گرفت که طی آن پوتین و حیدرعلی یف موافقت‌نامه تحدید مرزهای آبی دو کشور در خزر را امضا کردند، و در نهایت در سال ۱۳۸۵ پوتین قانون مرزبندی شمال دریای خزر را بین روسیه و قزاقستان امضا کرد (-Amirahmadian, Goodarzi, 2010:117).

روس‌ها برای تأمین منافع خود در دریای خزر بازی هوشمندانه و هدفمندی را در سطوح منطقه‌ای و جهانی انجام دادند. شرایط ایجاد شده ایران را در وضعیتی قرار داد تا سرانجام ناچار شود، که تغییر عقیده داده و توافق‌نامه را امضاء کند.



Map (4) Countries with a stake in the Caspian Sea legal regime

Source: (Research findings)

ب - جمهوری ترکمنستان

جمهوری ترکمنستان مواضع متفاوتی نسبت به رژیم حقوقی دریای خزر داشته است. به این صورت که در مراحل اولیه از رژیم مشاع حمایت نموده و در برهه‌ای از تقسیم دفاع کرده است. این کشور دارای اختلافاتی با آذربایجان بر روی چند حوزه‌نفتی است. این کشور بر این باور بود که دریای خزر در درجه اول بین شوروی و ایران و در درجه دوم بین جمهوری‌ها تقسیم شده است. ترکمنستان حقوق بین‌المللی را اصلی اساسی ناظر بر این تقسیم می‌داند. مشکل این کشور راجع به شیوه تقسیم و ملاحظات مربوط به تقسیم است. ترکمنستان اصرار داشت، که تقسیم بر اساس خط مبنای ساحل اصلی صورت بگیرد. تحدید حدود مرزها توسط خط میانی انجام بگیرد. دیگر اینکه ترکمنستان مدعی بود، که اگر مفاد حقوقی دریاها و یا قواعد حقوق بین‌الملل در مورد شرایط فلات خزری ملاک قرار گیرد، محدوده بخش ترکمنستان از منطقه‌ای که بر اساس تقسیم ثابت داخلی در اتحاد شوروی بوده است، فراتر می‌رود و سهم ترکمنستان چیزی بیشتر از ۲۰ درصد خواهد بود. و نهایتاً حقوق بین‌الملل و حقوق دریاها را بر مبنای حل مشکلات میدانست (Torabi, 2001: 107-108).

ج - جمهوری آذربایجان

دولت آذربایجان اعلام کرد، که در قراردادهای سابق منافع جمهوری‌ها نادیده گرفته شده است. جمهوری آذربایجان اساس نظر خود را بر تقسیم دریا به بخش‌های ملی قرار داده بود. بر این اساس دریا به پنج بخش مختلف تقسیم می‌شد که هر دولت در بخش خود از حقوق حاکمیت و صلاحیت تام و تمام ملی برخوردار است. آذربایجان که

آبهای سرزمینی اش در برگیرنده بیشترین منابع نفتی است، بهترین راه بهره‌گیری از این منابع را تقسیم دریا میدانند و از این رو اعتبار قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ را نمیپذیرفت (Zargari, 2008: 77-78). این کشور با گذشت زمان موضع روسیه را پذیرفته و طی قرارداد دو و چند جانبه بخش شمالی خزر را بین خود تقسیم نمودند.

د- جمهوری قزاقستان

قزاقستان در مقطعی بر این باور بود که بستر دریا و آب آن در مالکیت مشترک است. (Maleki, 2002: 42) قزاقستان حقوق بین‌الملل دریاها را دریای خزر قابل اقتباس دانسته و الگوی نظری خود می‌داند. حقوق بین‌الملل دریاها تکلیف کشورهای ساحلی را در همه زمینه‌ها مشخص می‌سازد و مسئله لاینحل موجب اختلافی باقی نمی‌گذارد. در حقوق بین‌الملل دریا وضعیت تقسیم بستر و منابع بستر دریا مشخص است، وضعیت کشتی رانی و ماهیگیری در دریا روشن است، حدود دولت‌ها در آبهای ساحلی بر اساس کمربندها و مناطق مختلف آبی معین است (Torabi, 2001: 98)

دولت قزاقستان در ابتدا اعلام کرد که به دلیل متصل بودن این دریا به دریای آزاد از راه کانال ولگا-دن^۱، میباید قوانین دریاها را آزاد در مورد این دریا اعمال شود و مخالف مشاع بودن دریا بود و همچنین در مورد تقسیم آبها بر این موضع بود که بر اساس خط القعر باید باشد که در این صورت منافع بیشتری به سمت دولت قزاقستان متمایل میشد. این کشور در مقطعی نظریه روسیه را پذیرفته و به مشاع بودن سطح رضایت دارد. قزاقستان بر سر تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و چگونگی بهره‌برداری از منابع بستر و زیر بستر این دریا با ایران در شرایط ناهماهنگی قرار دارد (<http://www.eia.dog.gov/emeu/cabs/kazakn,29/219kazakhstan,at>)

دیدگاه قزاقستان به خزر اقتصادی است و موضع این کشور در قبال خزر در ابتدا تقسیم کامل بود؛ اما سپس تصمیم گرفت بستر دریا تقسیم شود و سطح دریا مشاع باشد (Amirahmadian, Goodarzi, 2010: 162). قزاقستان به دریا و آزاد بودن خزر تأکید داشت. این کشور استدلال میکرد، از آنجایی که دریای خزر از طریق کانال ولگا-دن با دریای آزاد ارتباط دارد، بنابراین نظام حقوقی این دریا بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها باشد^۱. به عبارت دیگر، در این ایده ۱۲ مایل به موازات ساحل به عنوان دریای سرزمینی شناخته میشود و در ۲۴ مایل به عنوان منطقه نظارت و ۲۰۰ مایل تا هر جایی که بین کشورهای تلاقی به وجود آید، به عنوان منطقه‌ای انحصاری اقتصادی فلات قاره در نظر گرفته می‌شود (Report on statement made by the Russian. Deputy, 1995, p.5)

در نهایت قزاقستان علیرغم اعلام مسئولین این کشور و توافقات انجام شده طی قراردادهای دو و چند جانبه با دیگر کشورهای ساحلی بخش اعظم این دریا را در بخش شمالی میان خود تقسیم نمودند.

و - جمهوری اسلامی ایران

ایران سیاست تعریف شده، منسجم، مدون همراه با آینده‌نگری در خصوص دریای خزر نداشته و اغلب در راستای ملاحظه مواضع طی سالهای بعد از فروپاشی شوروی تا همین اواخر ایران موضع صریح و روشنی درباره تعیین

^۱ - در حالی که این کانال در قلمرو حاکمیتی دولت روسیه قرار دارد و بدون اجازه دولت روسیه امکان تردد در آن برای شناورهای دیگر کشورها فراهم نیست و یک کانال داخلی است و نه بین‌المللی.

حدود دریای خزر اعلام نکرده بود، و این بیشتر به جهت ملاحظه، بررسی و آگاهی از دیدگاه‌های روسیه بود. ایرادی که از سیاست خارجی ایران گرفته میشد، اتخاذ مواضع ضعیف، بی‌هنگام و دیر هنگام و از موضع تأسی از دیدگاه‌های روسیه و حرکت به دنبال سیاست‌های روس‌ها بود، به این امید که روسیه با نفوذی که بر کشورهای حاشیه دریای خزر دارد موضوع را به نحو مطلوب فیصله داده و منافع ملی ایران را تضمین خواهد کرد. ولی روند رویدادها نشان داد که روسیه به منافع ملی خود اهمیت می‌دهد (Amirahmadian, 2001:166).

ایران در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر استدلال میکرد که قبل از فروپاشی شوروی یک رژیم حقوقی استقرار یافته، بر دریای خزر حاکم بود. پس از تجزیه شوروی سه دولت تازه استقلال یافته حاشیه دریا این رژیم را که بر اساس حقوق بین‌الملل برای آنها الزام آور است، به ارث برده‌اند. به علاوه، آنها تعهد خود مبنی بر الزامات معاهده‌ای شوروی، طبق اعلامیه آلمان، مصوب ۱۲ دسامبر ۱۹۹۱ را تصریح نموده‌اند. ولی ایران از این واقعیت آگاه بود که رژیم فعلی دریای خزر جامع نبوده، نیازمند تکمیل است. علیرغم اذعان ظاهری بعضی کشورهای ساحلی آنها در عمل پایبند به این مسئله نبودند. البته از سوی کارشناسان این حوزه در این خصوص پیش‌بینی‌هایی صورت گرفته بود. به عنوان مثال دکتر بهرام امیراحمدیان میگوید: «ایران خواهان بهره‌برداری مشاع در دریاست که مورد موافقت دیگر کشورهای ساحلی نیست و خود در این راه پر ماجرا تنهاست و ناگزیر به پذیرش دیدگاه اکثریت خواهد بود» (Amirahmadian, ibid, 157).

همانطور که گفته شد، برخی از کشورهای ساحلی در ابتدا ظاهراً با دیدگاه ایران موافق بودند و مسئولین این کشورها به این مسئله اذعان می‌کردند. ایران تنها کشوری نبود که اصرار داشت، مادام که رژیم فعلی ایجاد شده به وسیله موافقت نامه‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰، با توافق کل دول ساحلی اصلاح نشده است، برای دریای خزر قابل اجراست (UN Document A/53/890). فدراسیون روسیه و جمهوری ترکمنستان نیز با این دیدگاه موافق بودند (UN Document A/53/453).

از سوی دیگر ایران تاکید داشت هر گونه توافقی باید بر اساس اجماع نظر همه کشورهای ساحلی باشد. طبق موضع ایران هر قاعده جدیدی در خصوص وضعیت دریای خزر باید بر اساس توافق کلیه دولتهای ساحلی، بدون استثناء طراحی شود (UN Document/ A/51/59).

به نظر می‌رسید که هیچ مخالفتی با این ترتیب صورت نپذیرد، زیرا پنج دولت ساحلی در اجلاس وزیران ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ در عشق‌آباد موافقت کرده‌اند هر تصمیمی درباره ی رژیم حقوقی دریای خزر پس از فروپاشی شوروی باید بر اساس اتفاق نظر و توافق همه کشورهای ساحلی اتخاذ شود. علیرغم این توافقات، روسیه و دیگر کشورهای ساحلی طی توافق نامه‌های دوجانبه و چند جانبه، قلمرو مشترک شمال خزر را میان خود تقسیم نمودند. ایران به این کشورها اعتراض نمود. از جمله در پی امضای توافق نامه‌ای میان جمهوری قزاقستان و فدراسیون روسیه در خصوص وضعیت حقوقی دریای خزر، ایران اعلام کرد «موافقت نامه مذکور را باطل قلمداد می‌کند» (UN Document A/52/1011).

دیگر اینکه در دهم مرداد ۱۳۷۹ در پاسخ به اظهارات ویکتور کالیوژنی نماینده ویژه روسیه در امور دریای خزر، در جریان سفر به کشورهای حاشیه‌دریای خزر که گفته بود: «اصول روابط در دریای خزر بر اساس قراردادهای ۱۹۲۱

و ۱۹۴۰ تعریف شده و چهار کشور روسیه، قزاقستان، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان باید قلمرو دریایی زمان شوروی را میان خود تقسیم کنند» جواب بسیار تندی اعلام شد. مدیر کل وقت کشورهای مشترک المنافع و قفقاز وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت: «دریای خزر بر اساس قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ و نامه‌های ضمیمه به آن به عنوان دریای مشترک ایران و شوروی اداره می‌شود و همان گونه که اسناد مربوط نشان می‌دهد، هیچ گونه تحدید دریایی میان دو کشور صورت نگرفته و کل دریا غیر از یک نوار ساحلی ۱۰ مایلی، برای استفاده مشترک قرار دارد (Amirahmadian, ibid: 167).

ایران در قبال وضع پیش آمده اعلام داشت گو اینکه کماکان رژیم حقوقی مشاع کامل را به نفع همگان و سازگار با ماهیت اکولوژیک، اقتصادی و سیاسی دریای خزر می‌داند ولی به عنوان راه بدیل ابتدا تقسیم کامل و مساوی را ترجیح می‌دهد. اما در مورد تقسیم بستر معتقد است که اولاً به جای قاعده متساوی الفواصل قرین مصلحت است که قاعده نصف استفاده شود که به عدالت نزدیک تر است. ثانیاً از آن جا که ایران به موجب قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ در تمامی پهنه دریای خزر حقوق برابر و مشترک بوده است، لذا تخصیص ۲۰٪ از بستر را برای خود حداقل قابل قبول طبق اصل انصاف می‌داند. (HermidasBavand, 2001: 16).

نداشتن استراتژی مشخص ایران در دریای خزر و در سایه روسیه حرکت کردن برای تراضی این کشور باعث شده که بخش عمده‌ای از خزر (حدود ۶۷ درصد) (Shad, 1985: 167) میان کشورهای ساحلی تقسیم شده و در این میان حق ایران تضییع شود.

تصویب کنوانسیون نهایی رژیم حقوقی دریای خزر در سال ۱۳۹۷ در قزاقستان

موضوع رژیم حقوقی دریای خزر سبب شده که مذاکرات متعدد و متناوبی در سطوح مختلف کارشناسان، معاونین و وزرای خارجه و سران کشورهای ساحلی خزر در طی ۲۱ سال گذشته انجام شود. سند نهایی کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر سرانجام در تاریخ ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ هجری شمسی برابر ۱۲ آگوست ۲۰۱۸ میلادی در شهر آکتائو قزاقستان در جلسه سران کشورهای ساحلی امضا شد (www.farsnws.com) محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه در جلسه علنی نوبت عصر مورخ ۱۳۹۸/۵/۷ مجلس شورای اسلامی در پاسخ به سوال چند نماینده مجلس در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر اعلام کرد که تاکنون هر تصمیمی در خصوص کنوانسیون حقوقی دریای خزر با اجازه شورای عالی امنیت ملی و امضای مقام معظم رهبری انجام شده است و پس از طی شدن مراحل کامل آن برای تصمیم نهایی به مجلس خواهد آمد. در این کنوانسیون در زمینه پهنه یا بستر دریای خزر نتیجه مورد انتظار به دست نیامده و قرار شده که بر اساس قراردادهای دوجانبه مذاکرات صورت گیرد. در مورد سطح آب قرار شد، تنها قوانینی وضع شود که مورد تأیید هر پنج کشور ساحلی باشد. سواحل دریای خزر در بخش ایران بر خلاف سایر کشورهای حوزه دریای خزر، از شکل مناسبی برخوردار نیست و لذا قرار شده است در ترسیم خط مبدا موردی تصویب شود که همه کشورها آن را تأیید کنند. در ماده یک کنوانسیون اعلام شده است که کشورهایی که سواحل آنها در حوزه نامناسبی قرار گرفته است، در تعیین خط مبدا از وضعیت ویژه‌ای برخوردار شوند. جمهوری اسلامی

ایران نیز در هنگام تصویب این کنوانسیون اعلام کرده است که این بند در خصوص جمهوری اسلامی ایران است.^۱ جمهوری اسلامی ایران در این کنوانسیون اعلام کرده است که خط مبدا هیچ کشوری بدون توافق سایر کشورها ترسیم نشود.

پس از تعیین خط مبدا این کنوانسیون برای تصویب به مجلس شورای اسلامی فرستاده خواهد شد، اگر مورد پذیرش مجلس قرار نگیرد، به ۴ کشور دیگر اعلام خواهد شد که ایران کنوانسیون را نپذیرفته است، اما شرایط خوبی برای کشور نخواهد بود (Enetkhab.irprofessional News site).

برابر اطلاعات موجود، بخش شمالی دریای خزر طی قراردادهای دو و چند جانبه بین کشورهای ساحلی تقسیم شده است. در کنوانسیون به این مسئله پرداخته نشده است. دکتر ظریف نیز به طور واضح و روشن نگفته‌اند که این قراردادها را به رسمیت می‌شناسند یا نه، لازم به توضیح است، که پذیرفتن قراردادهای فوق عملاً پذیرفتن سهم حدود ۱۱ درصدی برای ایران است.

نتیجه‌گیری و دستاوردهای علمی پژوهشی

دریای خزر با موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ویژه‌ای که دارد، جایگاه و اهمیت خاصی برای کشورهای ساحلی دارد. همچنین در معادلات منطقه‌ای و جهانی مورد توجه قدرت‌های جهانی است. منافع ملی و امنیت ملی کشورهای ساحلی دریای خزر ایجاب می‌کند که صلح و آرامش در منطقه حکم فرما باشد و از هر گونه اقدامی که منجر به بروز تنش میان کشورهای ساحلی شود، اکیداً خودداری شود. در این خصوص:

۱- از نظر حقوق بین‌الملل، دریا و دریاچه‌هایی نظیر دریای مازندران که به دریای آزاد راه ندارند در حکم آب‌های داخلی می‌باشند و از محدوده ی کنوانسیون حقوق دریایی سال ۱۹۸۲ خارج هستند. بنابراین اولاً: در این نوع آب‌ها آزادی دریا نوردی وجود ندارد، ثانیاً: رژیم حقوقی کشتی رانی و تعیین مرزها تابع قراردادهای فی مابین و یا تصرف دولت‌های ساحلی از این دریاست. در صورت عدم وجود معاهده، به هر ترتیب فرض بر مساوی بودن حقوق دولت‌های ساحلی است، ثالثاً: منابع دریایی و ماهی‌گیری منحصر دولت‌های ساحلی است.

۲- مطابق قراردادهای میان ایران و شوروی سابق اولاً: دو کشور ایران و شوروی سابق هر دو به طور بسوییه از حقوق کشتی رانی در دریای خزر برخوردار بودند. همچنین کشتی‌هایی غیر از کشتی‌های متعلق و یا تحت پرچم ایران و شوروی سابق نمی‌توانست وجود داشته باشد.

ثانیاً: با توجه به اینکه هیچ قراردادی در خصوص تقسیم دریای خزر میان ایران و شوروی سابق وجود نداشته طبیعی است که باید به رویه گذشته و تصرفات ایران و شوروی سابق استناد شود، ثالثاً: دو کشور ایران و شوروی سابق در محدوده‌ی ۱۰ مایلی از سواحل خویش دارای حق ماهی‌گیری اختصاصی بود و مابقی دریای خزر حق ماهی‌گیری مشترک داشتند.

۳- دولت‌های ساحلی تعهد نموده‌اند که متعهد به قراردادهای میان ایران و شوروی سابق هستند. زیرا این دولت‌ها از تجزیه‌ی شوروی به وجود آمده‌اند.

^۱-وضعیت حقوقی دریای خزر بر خلاف وضعیت ایران و عراق در اروند رود، دوجانبه نیست و در دریای خزر پنج کشور حضور دارند.

بنا به گواه تاریخ دریای خزر در مقاطعی آبهای داخلی ایران محسوب می‌شده است. در دوران جنگ سرد این دریا بین ایران و روسیه مشترک بوده است و کشور ثالث دیگری در این پهنه آبی صاحب حق و حقوق نبوده است. با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ و تولد کشورهای جدید، جمهوری اسلامی ایران می‌توانست به رسمیت شناختن آنها را منوط به مشخص نمودن رژیم حقوقی دریای خزر نماید، ولی متأسفانه این کار را انجام نداد. بنا به آنچه گفته شد به اذعان کارشناسان، ایران با در نظر گرفتن مواضع روسیه که در مواردی در محیط بین‌الملل در برابر زیاده‌طلبی‌ها و تزییقات ایالات متحده علیه ایران، با ایران همراهی کرده بود، ایران سعی کرده است در جهت جلب رضایت فدراسیون روسیه‌برخورد با مسائل منطقه عمل نماید. ولی روسها عملاً در راستای تامین منافع خود عمل نموده‌اند. همچنین مذاکرات متعدد ایران با کشورهای ساحلیدر سطوح مختلف در خصوص دریای خزر، بیشتر در راستای تامین نظرات روسیه بوده و منجر به تحقق همه حق و حقوق کشور نشده است. پس از مذاکرات طولانی و چندین ساله در پنجمین اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر در تاریخ ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ هجری شمسی برابر با ۱۲ آگوست ۲۰۱۸ میلادی کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر توسط روسای جمهور کشورهای ساحلی به امضاء رسید. در حالی که سوالات زیادی در خصوص تصویب کنوانسیون در اذهان کارشناسان و افکار عمومی مطرح است. از جمله این که در کنوانسیون در خصوص قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بحثی به میان نیامده است. این در حالی است که معمولاً در قراردادهای جدید به قراردادهای قبلی اشاره و استناد می‌شود. دیگر اینکه در کنوانسیون اشاره به دریاچه بودن خزر نشده و مکرراً از واژه دریای خزر استفاده شده است. همچنین در کنوانسیون مکرراً به قوانین بین‌المللی اشاره شده است. این در حالی است که خزر دریاچه است و قوانین حقوقی دریاها در خصوص دریاچه‌ها حرفی برای گفتن ندارد. با توجه به اینکه در کنوانسیون به دریاچه بودن خزر اشاره نشده است ممکن است در آینده در صورت لزوم ایران نتواند به دریاچه بودن خزر در مراجع بین‌المللی اشاره و یا اقامه دعوا کند.

دریاچه‌هایی که در اروپا، آفریقا و آمریکا تحدید حدود شده‌اند، با توافق کشورهای ساحلی صورت گرفته است و این یک اصل کلی و رویه در روابط بین‌الملل است که لازم است در مورد دریای خزر نیز مورد ملاحظه قرار گیرد. هم‌چنین در نظر گرفتن اصل انصاف برای ایران از ضروریست است. ایران با بیشترین جمعیت ساکن در منطقه ساحلی نسبت به دیگر کشورهای ساحلی دریای خزر، که زندگی و اقتصاد و معیشت مردم به این دریا وابسته است و از گذشته‌های تاریخی تا کنون فعالیتهای اقتصادی از جمله زراعت، باغبانی، دامداری، پرورش کرم ابریشم، ماهیگیری جنگلداری و کشتیرانی و گردشگری و دیگر بخشهای خدمات به این دریا وابسته بوده‌اند، حق دارد که از بیشترین سهم (یا حداقل شرط انصاف) از این دریا سهم بیشتری داشته باشد. این در حالی است که در سال‌های گذشته حدود ۶۷ درصد دریای خزر طبق موافقتنامه دو و چند جانبه و در راستای سیاست چندگانه روسیه میان کشورهای شمالی دریای خزر تقسیم شده است. این مسئله خلاف عرف و روال همچنین توافقات قبلی کشورهای ساحلی بوده است. در صورتی که مذاکرات سه کشور جنوبی جمهوری اسلامی ایران، جمهوری ترکمنستان و جمهوری آذربایجان در خوش‌بینانه‌ترین حالت به نتیجه برسد، سهم ایران حدود ۱۱ درصد خواهد بود. با توجه به اینکه به طور طبیعی کشورها در بحث سرزمینی تلاش دارند که حداکثر منافع ملی را کسب نمایند و کمتر حاضر به

انعطاف هستند، نباید از تحریک قدرتهای فرامنطقه‌ای و روسیه برای ایجاد بحران و تنش در راستای منافع خود غافل شد.

در دوره‌ای که آبهای دریای عمان و خلیج فارس با کشورهای همسایه تحدید حدود می‌شد، کارشناسان و مسئولان کشور با درایت و دور اندیشی و در راستای صیانت از حق حاکمیت کشور این کار را بدون هیاهو و جنجال به خوبی انجام دادند که امروزه مردم از مزایای آن بهره مند هستند. در مورد دریای خزر با ایجاد چند صدائی در سیاست خارجی و دخالت مراکز متعدد دولتی و غیر دولتی در مساله تقسیم دریای خزر و عمومی شدن آن در رسانه‌ها از سویی و از سوی دیگر پدید آمدن کشورهای جدید در عرصه ساحلی دریای خزر با دیدگاه‌های متفاوت و خواسته‌های مختلف، سبب تطویل مذاکرات و تصویب موافقتنامه‌های جدید شده‌اند. اعلام سهمی برابر ۲۰ درصدی به عنوان موضع رسمی جمهوری اسلامی ایران از سوی نماینده ریاست جمهوری در امور دریای خزر هم کارشناسی نبوده و تعیین سهم پیش از برگزاری مذاکرات و تعیین و تصویب موافقتنامه بر اساس موازین حقوقی و مهندسی نیز موجب پیامدهایی شده است که پذیرش سهم ایران ناشی از برپایی قواعد و موازین حقوقی بین‌المللی منجر به سوء برداشتها از فعالیت گروه‌های کاری و در نهایت امضای موافقتنامه از سوی رئیس جمهور شده است. با توجه به اینکه براساس اصل ۷۸ قانون اساسی هرگونه تغییر مرزی منوط به موافقت^۴/_۵ نمایندگان برای تصویب می‌باشد. شایسته است نمایندگان در این خصوص دقت و حساسیت بیشتری به خرج دهند. زیرا تعیین رژیم حقوقی دریای خزر در نزد افکار عمومی ایرانیان از حساسیت بالایی برخوردار است.

References

A. English

- Ahmadipour, Zahra (March 2000) "Geopolitics of Iran after the Cold War", Journal of Geographical Research, No. 39.
- Iqbal Ashtiani, (1999), Abbas and Aghai, Bagher, "The History of Iran after Islam from the beginning to the end of the Qajar, and Pahlavi period", Narmak Publications.
- Amirahmadian, Bahram (Fall 2001) "Iran and the Caspian Sea in a Geopolitical Perspective", Journal of Central Asian Studies in the Caucasus, No. 35.
- Amirahmadian, (2010), Bahram, Goodarzi, Mahnaz, "The Caspian Sea, Russian Interests and Iran's Security", Qomes Press.
- Bavand, Davood (2001), "The legal regime of the Caspian Sea, looking at environmental and security dimensions", Journal of Central Asian and Caucasian Studies, No. 36
- Bernard Cohen, Saul, (2008), "The Geopolitics of the World System", Institute for Cultural Studies and International Studies, Tehran AbrarMoaser Institute.
- Cooperation in the Caspian Sea, Report on statement made by the Russian deputy minister of foreign affairs on a visit to Almaty, Kazakhstan, the Echo of Iran, (London, Vol.xxxxIII, No. 98, August/September 1995).
- Dabiri, Mohammad Reza, (1995), "The Legal Regime of the Caspian Sea factor for balance of interest and balance of security", Journal of Central Asian and Caucasian Studies, No. 10.
- Damirchilu, Mojtaba (Spring 2006) "An Iranian view of the developments of the Caspian legal regime", Journal of Central Asian and Caucasian Studies, No. 53.
- Dehghan, Fathollah (2005), (Caspian Sea national security), Tehran Cultural Development Institute.
- Freedman Robert, "Russian-Iranian relations in the 1990s". Middle East Review of International Affairs. Vol 4 no2 (June 2000)
- F.J.Monkhouse, Edward Arnold, (1972), Adictionary of geography
- Gizatov, Vyacheslav, (1995), "The legal regime of the Caspian Sea", Central Asia Studies Quarterly, No. 10.

- Hammawi, Yaghut (1322 AH) "Mo'jamol-Boladan", Egyptian edition.
- J. Pettinger, Christopher (Spring 1997) "The threat of the Caspian Sea, discussing its legal status", Journal of Central Asian and Caucasian Studies, No. 17.
- Bavand, Davood (2001), "The legal regime of the Caspian Sea, looking at environmental and security dimensions", Journal of Central Asian and Caucasian Studies, No. 36
- Kullberg, A. (2000), the Return of Heartland, the Eurasian politician.
- Momtaz, Jamshid and MirzaeiYengijeh, Saeed (Fall 2001), "The legal regime of the Caspian Sea: Iranian perspectives", Journal of Central Asian Studies and the Caucasus, No. 35.
- Movahed, Mohammad Ali, (1995), "A look at the legal system of the Caspian Sea and its related issues", Mir-Heider, Dorreh and Safatollah, TaheriShemirani (2005), "The geopolitics of the Caspian Sea", Journal of Central Asian and Caucasian Studies, No. 35.
- Mirheidar, (2005), Dorreh and Safatollah, TaheriShemirani, "The geopolitics of the Caspian Sea", Journal of Central Asian and Caucasian Studies, No. 35
- Mir-Mohammad Sadeghi, Seyed Mohsen, (1995) "Caspian Sea legal regime in international law and treaties between Iran and the former Soviet Union", Journal of Central Asian and Caucasian Studies, No. 10.
- Nami, (1977), Mohammad Hassan and Akhbari, Mohammad, "Border geography with an emphasis on Iranian borders", Geographical Organization of the Armed Forces Publications.
- Shad, Mohammad (1986) "Iran in the geometry of Russian foreign policy", International Institute of Contemporary Studies and Research, Tehran
- Torabi, Shahram (2001), "Similarity and contrast of other coastal states on the Caspian legal regime", Journal of Central Asian and Caucasian Studies, No. 35.
- Yakushik, Valentine, (Summer 1998), "Contemporary political disputes over the legal status of the Caspian Sea, Journal of Central Asian and Caucasian Studies, No. 22.
- Zargari, Hadi (2008) "The legal regime of the Mazandaran Sea and its impacts on Iran's security", Journal of Economic and Political Information, No. 258-257.
- Paragraph 3 Joint Statement of July 8, 1998, Presidents of the Islamic Republic of Iran and Turkmenistan; UN Document A / 53/453
- Iran-Russia Joint Declaration on the Caspian Sea /, Section 5 UN Document A / 51/59
- Speech by the Ministry of Foreign Affairs of the Islamic Republic of Iran, UN Document A / 550/890
- Statement of the Ministry of Foreign Affairs of the Islamic Republic of Iran on the Agreement signed July 16, 1998 by the Presidents of the Russian and Kazakhstan Republic on the Legal Status of the Caspian Sea, UN Document A / 52/1011
- Statement of the Ministry of Foreign Affairs of the Islamic Republic of Iran on the Agreement signed July 16, 1998 by the Presidents of the Russian and Kazakh Federations on the Legal Status of the Caspian Sea, UN Document A / 52/1011
- Take a look at coastal states' work to resolve Caspian Sea legal problems"
<http://www.caspianstudies.com/article/caspian%20goverenment-malek:10/10/2005>
www. Fars news. Com 37: 15- 21/5/1397 Fars News Agency
Entekhab.ir Professional news site Date: August 7, 2010 15:36 pm
Gov/emeu/cabs <http://www.eia.dog36-Kazakhstan,at:/Kazakh,2004/2/19>.
<https://fa.m.wikipedia.org>
<https://www.google.com/map/search>
<http://tabyineenter.ir>
https://www.researchgate.net/figure/The-location-of-the-Caspian-Sea-and-five-coastal-countries-on-a-map-of-the-Caspian-Sea_fig2_301756585
https://www.google.com/search?tbm=isch&sa=1&ei=LTygXZDxBEGzggf8xIugDg&q=Caspian+Sea+division+maps&oq=Caspian+Sea+division+maps&gs_l=img.12...404586.407316..409063...0.0..1.795.3568.2-5j1j1j1.....0....1..gws-wiz-img.QobCP5rJeK8&ved=0ahUKEWjQu9zx45PIAhXhmeAKHXziAuQQ4dUDCAc#imgrc=s-258O5g8PAVjM: